


رويای تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی

تهیه‌کننده: سيد جلال الدين ميرنظامی 



دغدغه‌مندی برای آب زیرزمینی

حداقل در دو دهه اخیر که موضوع آب زیرزمینی در سطح ملی پررنگ‌تر و به لطف بی‌توجهی‌ها انکار آن دشوار و دشوارتر شده است، هیچ دوره‌ای از دولت‌ها و مجالس ادعا نداشتند که نسبت به آب زیرزمینی بی‌توجه هستند، و حتی اگر دقیق‌تر به مصوباتشان بنگریم، خواهیم دید که چطور از یکدیگر گوی دغدغه‌مندی را ربوده‌اند. ممکن است عموم مردم از این دغدغه‌مندی‌ها بی‌خبر باشند، اما برای متخصصان و علاقمندان، این موضوعات دیگر کهنه است. طرح تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی (که البته اخیراً در طرح سازگاری با کم‌آبی متبلور شده است) و قانون تعیین تکلیف چاه‌های بدون پروانه از اتفاقات مهم در این بازه‌ی ۲۰ ساله است. اگر از متخصصان نظرشان را پیرامون این محصولات دولتی و مجلسی پرسیم، لیست بلندی از انتقادات را مطرح می‌کنند. اگر از دولتی‌ها پرسیم، طرح تعادل بخشی قابل دفاع‌ترین است، و اگر از مجلسی‌ها پرسیم هم قانون تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز قابل دفاع‌ترین است. هر کسی از ظن خود برای ناکامی‌های این مصوبات (دولتی و مجلسی) توضیحاتی دارد. اما آنچه در این بین جای آن خالیست، عدم نگاه واقع‌گرایانه نسبت به آب زیرزمینی است. نگاهی که فارغ از متهم کردن قبلی‌ها یا طرف مقابل، به این سوال جواب بدهد

که شما چه راهکار متفاوتی دارید؟! این مسأله از این جهت مهم است که زمان به سرعت در حال گذار است و با گذر زمان نه فقط فرصت‌ها از بین می‌روند بلکه موضوع پیچیده و پیچیده‌تر می‌شود. بعلاوه، معلوم نیست بالاخره در بین این همه موضع‌گیری‌های ضد و نقیض، آیا واقعاً کسی در این بین هست که از راه‌حل مسأله‌ی آب زیرزمینی باخبر باشد؟ باید این سوال به ظاهر ساده را کمی جدی‌تر بگیریم، که برای تغییر به چیزی احتیاج داریم؟ به قانون، طرح، بخشنامه، کارگروه، شورا، ...؟ معمولاً از هر سو این‌طور مسأله طرح می‌شود که اگر کار را به دست او بسپرنند مشکل حل شده است. هر دوره با سرکار آمدن وزیر جدید یا نمایندگان جدید، خبر از وعده‌هایی برای عملیاتی کردن وعده‌های عملیاتی نشده قبلی منتشر می‌شود. با سرکار آمدن ایشان، این طور فضا سازی می‌شود که راهکارها مشخص است، برنامه‌ها مشخص است، و فقط مرد میدان در این میان نیست که وزیر جدید یا نمایندگان جدید، همان مردان میدانند. اما واقعیت این است که ما لزوماً به مرد(زن) میدان احتیاج نداریم و مسأله اصلی این است که دقیقاً هیچ کس (همین‌طور نگارنده این متن) نمی‌داند که تعادل بخشی به منابع آب زیرزمینی آنهم در سطح کشور پهناوری همچون ایران چه معنایی دارد و برای تغییر به چه چیزی احتیاج داریم.



سوال اول: آیا واقعاً به لحاظ نظری مسأله‌ی آب زیرزمینی حل شده است؟

خیر، حل نشده است. البته که اگر از عموم متخصصان بپرسید، قطعاً نیاز شما را با مجموعه‌ای از راهکارهای عملیاتی/نیمه عملیاتی (حتی غیرعملیاتی) رفع خواهند کرد. اما اگر به ادبیات حکمرانی آب زیرزمینی رجوع کنیم، می‌توان متوجه شد که تعدد و تناقض در نگاه‌ها نسبت به موضوع آب زیرزمینی بالا است و برخی از عالمان سرشناس، به صراحت از این سردرگمی سخن گفته‌اند. اگرچه برخی به قیمت‌گذاری و بازار، برخی به اندازه‌گیری و تعریف حد و حدود، برخی بر متشکل‌سازی و مشارکت، یا برخی بر آگاه‌سازی (برخی نیز بر همه راهکارها به صورت ترکیبی) تأکید دارند، اما هیچ استدلالی وجود ندارد که این تأکیدات بتوانند یک کشور را یا حتی یک محدوده را به سمت خوشایندی رهنمون سازند. در حقیقت اگر بخواهم واضح‌تر بگویم، اگر متخصصی ادعا کرد که راهکار آب زیرزمینی ایران یا فلان حوضه یا دشت در «...» است، باید به آن شک کرد. حداقل به اعتبار ادبیات می‌توان

به آن شک کرد. در حقیقت راهکارهایی که در ادبیات علمی از آنها یاد می‌شود، پیشنهادهاتی هستند که مبنی بر قیاس با (معمولاً) مدیریت سایر منابع مشترک در سطوح خرد تولید شده‌اند و در نحوه‌ی اجرایی کردن آنها به‌آنگونه که به‌طور معمول از یک راهکار مشخص انتظار می‌رود، هیچ قطعیت و اطمینانی وجود ندارد. آنچه در حال حاضر ادبیات حکمرانی در آن متفق‌القول است این است که مسیر تعادل بخشی صرفاً با اتکا به خط‌کشی‌های دولتی و قانونی قابل رفع نخواهد بود و جامعه باید در این فرایند درگیر شود، اما برای اینکه چطور و چگونه این اتفاق می‌تواند به شکل اثربخش و کارایی صورت پذیرد هنوز هیچ قاعده‌ای کشف نشده است.

سوال دوم: آیا واقعاً به لحاظ تجربی اتفاقات موفقیت‌آمیز بزرگ مقیاسی در حل مسأله‌ی تعادل بخشی آب زیرزمینی در دنیا رخ داده است؟

جذابیت تولید راهکار از مطالعات بنچ‌مارک، عملاً نگاه انتقادی نفی یا کم‌رنگ می‌شود. البته در بسیاری موارد، مطالعات انتقادی هم بسیار محدودتر از مطالعات طراحی و گزارش‌های مجریان پروژه‌هاست و نمی‌توان انتظار داشت که یک کارشناس در ایران، برای پروژه‌ها و برنامه‌های یک کشور اروپایی مطالعات انتقادی مجزایی انجام دهد. اما نکته مهم این است که دغدغه‌مندی‌های دوره‌ای و جذابیت تولید راهکار، خواه‌ناخواه نگاه‌ها را خوشبین و بی‌توجه به کاستی‌ها می‌سازد، کاستی‌هایی که اساس الگوبرداری را نقض می‌کنند. البته همیشه بحث نگاه انتقادی برای یافتن کاستی‌ها کاربرد ندارد. بلکه نگاه انتقادی می‌تواند به این مسأله رنگ و معنا ببخشد که چقدر روند تحولات (طرح‌ها، برنامه‌ها، تصمیمات و اثرات) از خط سیر تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اکولوژیکی هر منطقه نشأت گرفته‌اند. برای مثال جداسازی رشد اقتصادی از منابع (ادامه روند صعود کیفیت اقتصاد در عین کاهش مصرف منابعی همچون آب) اگرچه به ظاهر در برخی کشورها رخ داده است، اما باید از طرف دیگر پرسید اگر مصارف آب کم شده است، این تغییرات ناشی از یک برنامه هدفمند برای جداسازی رشد اقتصادی از منابع آب رخ داده یا تحولات عمومی آن مناطق این شرایط را رقم زده است؟

متأسفانه خیر. تجارب جهانی هم گواه بر یافته‌های نظری هستند (و بالعکس). هنوز هیچ یک از کشورهای وابسته به منابع آب زیرزمینی قادر نشدند که راهی را برای مصون کردن خود در برابر فشارهای وارده بر منابع آب زیرزمینی پیدا کنند. یکی از آفت‌های مرور تجارب بین‌المللی توسط مشاوران و کارشناسان در این است که وقتی مطالعات بنچ‌مارک را انجام می‌دهند به ذکر بخش طراحی بسنده کرده و به اجرا و اثربخشی نیم‌نگاهی هم نمی‌اندازند. برای مثال تجربه آندراپراداش هندوستان در فضای گزارش‌های تولیدی مجریان این پروژه خلاصه می‌شود، یا تجارب اسپانیا در قالب برنامه‌ریزی‌های آن مطرح می‌شود و غیره. اما اگر از سوی اثربخشی فیزیکی نگاه کنیم (یعنی تغییراتی که نهایتاً به واسطه برنامه‌ها برای سطح آب زیرزمینی رخ می‌دهد) شاهد اتفاقات مثبتی در بلندمدت نیستیم و در خیلی موارد اساساً معلوم نیست که چقدر از تغییرات رخ داده حاصل آن برنامه‌ریزی‌هاست. بعبارت دیگر، به دلیل

متأسفانه نداشتن نگاه انتقادی در بخش کارشناسی، موجب تولید خوراک برای تقویت رویکرد «من بلام» در فضایی شده که واقعاً هیچ کس نمی‌داند چطور در قالب یک یا چند طرح و مجموعه‌ای از پروژه‌ها، مسأله را حل کند.

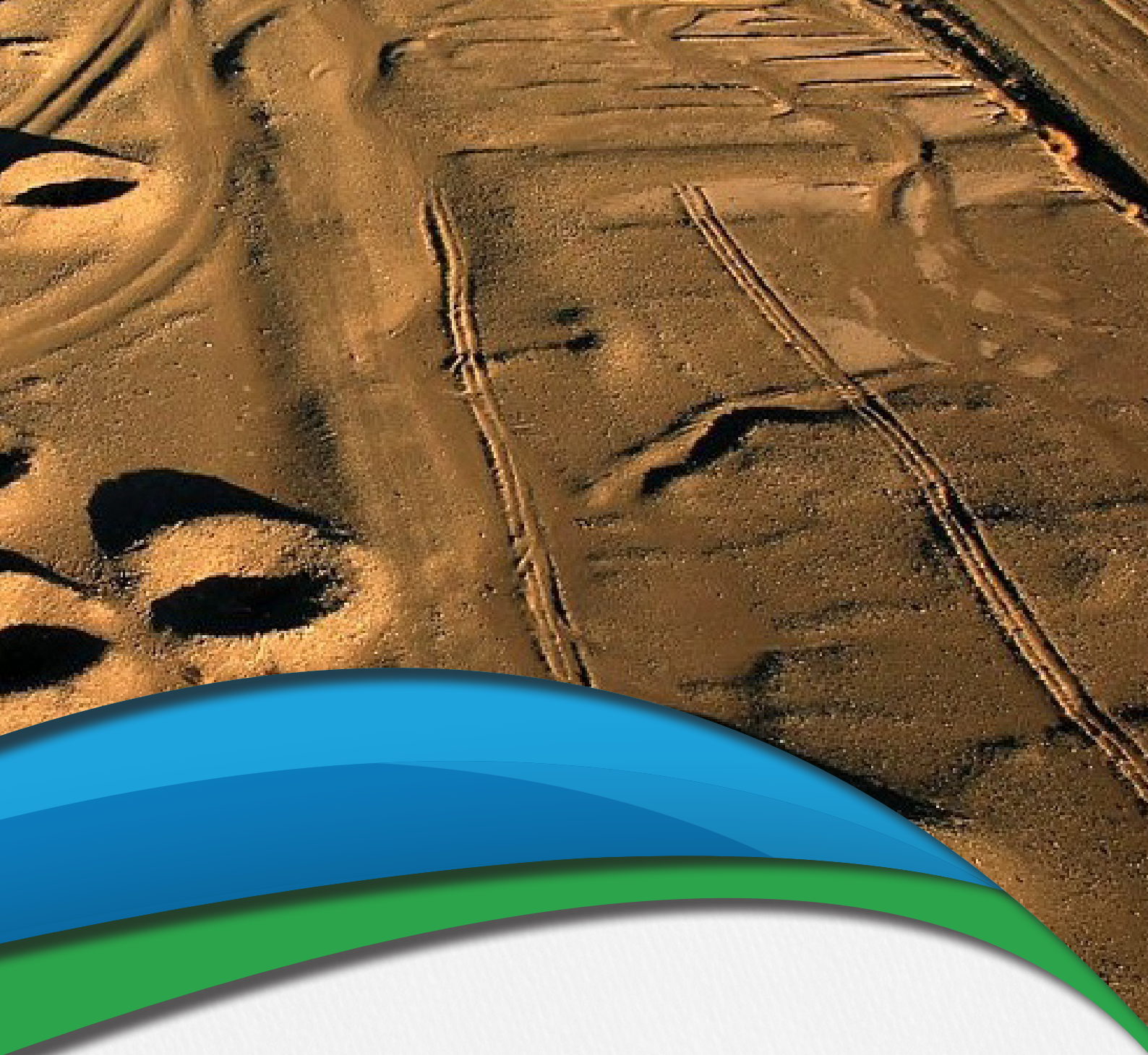
سوال سوم: مسیری که ایران برای تعادل بخشی دنبال کرده چقدر قابل دفاع است؟

قطعاً قابل دفاع نیست، اما نه صرفاً به این دلیل که موفقیت محسوسی در حفاظت از منابع آب زیرزمینی رخ نداده است. بلکه به این دلیل که این مسأله همواره در دنیای خیالی دنبال شده و هیچ‌گاه واقعیت‌های حاکم بر منابع آب زیرزمینی ایران مورد توجه قرار نگرفتند. تقسیم کردن تاریخچه نسبتاً طولانی توجه حاکمیت به مسأله‌ی آب زیرزمینی در ایران، به دوران غفلت و دوران آگاهی، تقسیم‌بندی بسیار گمراه‌کننده‌ای است. در هیچ دوره‌ای نه غفلت کامل برقرار بوده و نه آگاهی کامل! موضوع کمبود آب و به تبع آن، افت آب زیرزمینی در طول تاریخ همواره در مناطقی از ایران جلوه‌گر بوده، و مردم و سیاستون از آن اطلاع داشتند. اتفاقاً ایران جزو اولین کشورهایی است که حساسیت نسبت به افت منابع آب زیرزمینی را در قوانین خود بروز داده است. اما این حساسیت‌ها از ابتدا تا کنون همواره به شکلی خیالی دنبال شدند. اولین دوره را می‌توان دوره‌ی بلندپروازانه دانست، دوره‌ای که همراه با انقلاب سفید اوج گرفت و دولت این تصور را داشت که منابع آب را می‌تواند به حکم قانون و با کمک بروکراسی، کاملاً ملی کرده و بعد اختیار تام بر آن پیدا کند و در کنار آبیاری کردن نهال اقتصاد، از تخریب ذخایر زیرزمینی جلوگیری کند. دوره بعدی، دوره‌ی ایهام‌پروری است، یعنی زمانی که به دلیل باور بر هلاکت بخش کشاورزی در دوره پهلوی توسط انقلابیون، قانون جدیدی تحت عنوان توزیع عادلانه آمد و در آن مسأله‌ی آب زیرزمینی با اندکی تغییر به شکلی ایهامی دنبال شد. از یک سو حساسیت نسبت به آب زیرزمینی در این قانون ترسیم گردید اما از سوی دیگر در همان قانون، اختیار تصمیم‌گیری به مسئولان و کارشناسان تحت امر هم سپرده شد تا که طبق صلاحدید عمل کرده و به تفسیر خود، مجری توزیع عادلانه‌تر آب باشند. دوره متأخر، دوره‌ی بی‌معناسازی است، دوره‌ای که اساساً در آن هر تصمیمی حتی در صریح‌ترین جلوه‌ی خود می‌تواند فقط در حد حرف باقی بماند و هیچ محدودیتی ایجاد نکند. وقت که دستگاه‌های اجرایی و همین‌طور قوه مقننه، در چنین بستری زیست می‌کنند که باید در عین حال هم دغدغه‌مند و حساس باشند و هم نباشند،

هم آینده‌نگر باشند و نباشند، هم صادق باشند و نباشند، دیگر حرف‌ها، برنامه‌ها، فرمان‌ها، خط و نشان‌ها و ... عملاً معنای خود را از دست می‌دهند و کم‌کم بستری فراهم می‌شود که هر کس به دنبال فتوحاتی در عالم غیب باشد و کاری به دنیای واقعیت نداشته باشد. تصویب طرح تعادل‌بخشی و احیای منابع آب زیرزمینی در شورای امنیت ملی با ۱۵ پروژه، که لیستی کامل از انواع فعالیت‌هایی است که می‌توان برای احیای منابع آب زیرزمینی انجام داد، به عنوان یک قدم جدی روبرو جلواز سوی دولت قلمداد می‌شود و تصویب قانون تک ماده‌ای در مجلس که قرار است در مهلت‌های چندماهه تمامی کاستی‌های چنددهه قبل را برطرف کند به عنوان یک اکسیر معرفی می‌گردد. این الگو در حال حاضر در کشور غالب است و امیدی نیست که به زودی در آن تغییری رخ دهد چراکه همچنان بدنه کارشناسی نیز در همین فضا خود را محبوس کرده و علاقه‌ای به نگاه انتقادی نسبت به مسأله‌ی آب زیرزمینی ندارد. بخش کارشناسی تمایل دارد تا بگوید که راهکارها مشخص هستند و مشکل این است که کسی مسیر اصلاحی را پیش نمی‌گیرد یا عزم جدی برای اجرای آنها وجود ندارد. اما واقعیت این است که راهکار مشخصی وجود ندارد و اینکه چرا هیچ دولت یا مجلسی حاضر به عمل کردن نیست، خود بخش اعظم مسأله است.

سوال چهارم: مسأله‌ی آب زیرزمینی ایران چیست و چه می‌توان کرد؟

من هم نمی‌دانم و بهتر است بگویم، گشتم نبود، نگرد نیست. مهم‌ترین است که اصلاً در حال حاضر اولویت ما نباید پیدا کردن راهکار باشد! بلکه باید اعتراف به نادانی باشد! چرا؟! چون از یک سو سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان تشنه‌ی راهکارهای عملیاتی هستند و از سوی دیگر اجرایی‌پذیری و اثربخشی آنها دیگر فی‌الغالب اهمیت ندارد. در این بستر فقط به راهکار(هایی) می‌توان واقعاً راهکار گفت که هم نیاز سیاستمداران را به نحوی که مطلوب آنها باشد برطرف کرده و هم بتواند موجب تعادل‌بخشی آب زیرزمینی شود. که البته باید به صراحت گفت در حال حاضر، بشر هنوز به چنین راهکاری دست پیدا نکرده است. ما نیازمند این هستیم که تصویر پیچیده‌ی آب زیرزمینی را بیشتر و بیشتر برای عموم ترسیم کنیم. باید بیشتر و بیشتر ناکامی راهکارهای خط‌کشی



از بطن جامعه- از شرایط ترسیم کند. در چنین شرایطی است که می‌توان انتظار آشکار شدن و سربرآوردن راهکارهای واقعی را داشت، راهکارهایی که دیگر لزوماً با معیار و سنج‌های امروز نمی‌توان آنها را سنجید و ارزیابی کرد. راهکارهایی که انتظارات و توقعات از آن با انتظارات و توقعات امروزی کاملاً متفاوت است و هیچ رئیس‌جمهور، وزیر و نماینده و سیاستمداری قادر به بلوف زدن درباره آن نیست.

شده را در حل مسأله تعادل بخشی فهم کنیم. باید بیشتر و بیشتر زوایای دردناک و پرچالش تعادل بخشی را بشناسیم. باید بیشتر و بیشتر به تاریخ بازگردیم و نحوه‌ی کنار هم قرار گرفتن مؤلفه‌ها در وقوع وضعیت کنونی را بازخوانی کنیم. بعبارت دیگر، ما نیازمند ترویج نگاه انتقادی هستیم، نگاهی که انتظارات و توقعات بی‌جا را به چالش کشیده و تصویری واقعی -برآمده

اندیشکده تدبیر آب ایران

نشانی: خیابان فتحی شقاقی، بین خیابان چهلستون و سیدجمال‌الدین اسدآبادی، پلاک ۴۵، طبقه ۴ / تلفن: ۸۸۷۰۲۸۰۵-۸۸۷۰۲۰۱۳

www.iwpri.ir



اندیشکده تدبیر آب ایران
انبار مرکزی منابع و مشاوره تخصصی